

فاطمه نجارزاده، کارشناس مذهبی و استاد حوزه و دانشگاه:

جوان خود را همچون حضرت علی اکبر (ع) جوانمر دانه تربیت کنیم

یازدهم ماه شعبان سالروز خجسته میلاد حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان نامگذاری شده است. روزی که خداوند جوانی را شبیه به پیامبر اکرم (ص) به امام حسین (ع) عنایت می‌کند. آن حضرت اولین شهید عاشورا از زنی هاشم بود. شجاعت و دلآوری حضرت علی اکبر (ع) و رزم آوری و بصیرت دینی و سیاسی او در سفر کربلا به ویژه در روز عاشورا تجلی کرد. روز عاشورا نیز پس از شهادت یاران امام، اولین کسی که اجازه میدان طلبید تا جان را فدای دین کند، او بود. اگر چه به میدان رفتن او بر اهل بیت و بر امام بسیار سخت بود، ولی از ایثار و روحیه جانپازی او جز این انتظار نبود. او جوان بود و جوانمرد. یک مشاور مذهبی و استاد حوزه و دانشگاه ضمن برشمردن ویژگی‌های حضرت علی اکبر (ع)



به عنوان الگوی کامل جوانان، به روایات مهمی از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند و می‌گوید: طبق روایت، فرزند، هفت سال پادشاه، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحیات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واگذار که در پیشگاه خدا معذوری. این بیان کوتاه، در حقیقت چکیده یک دستورالعمل طولانی است که در نهایت لطافت، ششویی و اختصار، روشنگر مسیر حرکت پدران و مادران و مربیان است و نکته مهم تر اینجاست که از ۲۱ سالگی به بعد نقش والدین صرفاً روشنگری است. والدین از این سن به بعد می‌توانند تنها در شرایط بحرانی و غفلت، جوانان خود را موعظه کنند. گفت و گو با فاطمه نجارزاده را در ادامه می‌خوانید.

به نقطه‌ای برسند که قابل کنترل نباشد، آیا از ۲۱ سالگی به بعد در تربیت نقش دارند؟ راهکار پیشنهادی شما در این زمینه چیست؟

پیامبر اکرم (ص) در ادامه این حدیث برای تربیت فرزند می‌فرماید: «اگر در سال بیست و یکم روحیات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واگذار که در پیشگاه خدا معذوری.»

اگر والدین می‌خواهند فرزند آنها اثر گذار و در مسیر درست باشد، امروز کودک و نوجوان خود را باید درست تربیت کنند. امروز نمی‌توان هر خوراکی را از هر رسانه‌ای در اختیار بچه گذاشت، اما بعدها نگران انحراف او بود. تربیت را قبل از به دنیا آمدن بچه باید آغاز کرد یعنی از تربیت خودمان. ما همیشه به بچه تعلق داریم و سعادت فرزندان را می‌خواهیم، اما این والدین هستند که باید فرزند را به سمت تربیت درست هدایت کنند. اگر والدین در انجام تقیدات مذهبی مثل نماز و روزه نتیجه نگریند و فرزندان رفتار والدین شاهد اثر نماز نباشند، بعدها نه تنها گرایش ندارند، بلکه بی‌علاقه هم خواهند شد.

آیا این روال به معنی آن است که ۲۱ سالگی به بعد باید فرزند خود را رها کنند؟

غفلت حتی در تربیت درست هم وجود دارد. جوانان امروز در شرایط فعلی و با چرایی‌های موجود قطعاً در گیر غفلت‌هایی می‌شوند که نقش والدین در اینجا روشنگری در مورد غفلت صورت گرفته است. اگر شاکله فرزند خود را طیب و صحیح بسازیم، قطعاً حتی اگر در مسیر بیراهه قرار بگیرد، اما به اصل خود بر خواهد گشت.

امروز با فضای مجازی و رسانه و... نمی‌توان اصول تربیتی قبل از پیاپی‌سازی کرد. مهم‌ترین است که پدر و مادر باید خود نیز کنترل گری در شرایط داشته باشند. والدینی که در گیر ماهواره هستند قاعدتاً فرزند در اوج جوانی مسیری ۱۰۰ برابری از آنچه والدین رفته را طی خواهند کرد. در حالت کلی ما می‌توانیم در زمان غفلت جوانان تنها او را موعظه کنیم و با شناخت از نقاط ضعف و قوت جوانی که می‌شناسیم او را به سمت مسیر درست هدایت کنیم. اینجا دیگر اسم آن تربیت نیست و موعظه در شرایط غفلت نام دارد. در بسیاری از مواقع بی‌نتیجه بودن تربیت تا جایی پیش می‌رود که حتی به پنهان کاری جوان ما می‌رسد و اینجاست که باید با پیدا کردن نقطه ضعف یا قوت به سمت او برویم و با محبت و شناسخت، مسیر درست را گوشزد کنیم. جوان را باید از سنین پایین همچون روحیه حضرت علی اکبر (ع) جوانمردانه تربیت کنیم.

شاکله تربیتی پیش بروند، از نتیجه عملکرد خود رضایت خواهند داشت و نگرانی‌ها به حداقل می‌رسد.

جوان روحیه چرایی دارد و دائماً دنبال پرسش و پاسخ است. ما نمی‌توانیم بگوییم دانشگاه و سر کار نرو چون جو محیط تو را خراب می‌کند، اما اگر هفت سال‌های سنی را رعایت کنیم و درست پیش برویم، سیرت بچه پاک خواهد بود و به فطرت خود گرایش دارد. در واقع باید گفت اگر حضرت علی اکبر (ع) به بلوغ و وارستگی می‌رسد، نتیجه تربیت صحیح ایشان است.

از جمله ویژگی‌های حضرت علی اکبر (ع) صرفاً جوانی نیست، بلکه لفظ قوت در مورد آن حضرت است. در واقع آنچه از شادان حضرت علی اکبر (ع) می‌بینیم یک رقم و عدد سنی نیست، بلکه یک جوانمردی است.

اگر والدین نتوانند دوره‌های سنی را بر اساس روایت ذکر شده رعایت کنند و

چرا روز ولادت حضرت علی اکبر (ع) روز جوان نامگذاری شده است، ایشان چه ویژگی‌های شخصیتی بارزی داشتند؟

طبق روایات، حضرت علی اکبر (ع) از سه بعد وجودی شبیه پیامبر بود: خلقت، خلق و خوی و نطق و گفت و گو. این بدین معنی است که آن حضرت در رشد شخصیتی توانسته است شبیه‌ترین به پیامبر اکرم (ص) باشد. در واقع نوع تربیت حضرت علی اکبر (ع) وی را متمایز از سایر جوانان کرده و همین است که روز ولادت آن حضرت به درستی روز جوان نامگذاری شده است. روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) در مورد تربیت فرزندان وجود دارد که اصل کاملاً درستی است، اما اگر به درستی اجرا شود. فرزندان ما در سه دوره هفت ساله تا ۱۱ سالگی قرار خواهند گرفت. در هفت سال اول «پادشاه»، هفت سال دوم «عبد» و هفت سال سوم «وزیر» باید باشند. اینکه هفت سال اول

پادشاه باشند طبیعتاً معنای پادشاه بله قربان گویی والدین در برابر فرزند نیست، در حالی که ملاک در این حدیث این است که والدین وزیر آن پادشاه باشند و اجازه ندهند خودش را در چاه بیندازد. ساده‌سازی این روایت به نقل از حضرت رسول این است که در ادامه حدیث می‌گوید: اگر فرزند شما به ۱۱ سالگی رسید و همان چیزی شد که مورد رضایت شماست، باید خدا را شکر کرد، اگر والدین با این

مر ترضی پدریان کارشناس مسائل اجتماعی:

خانواده‌ها برای ازدواج جوانان افق گشایی کنند و انتخاب را بر عهده خودشان بگذارند

مر ترضی پدریان، کارشناس مسائل اجتماعی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «در موضوع ازدواج جوانان خانواده‌ها باید یک افق گشایی برای آنها ایجاد کنند تا جوانان با دیدن مسیرهای مختلف بتوانند مسیر درست را انتخاب کنند.» موضوع گفت‌وگو ما با این جامعه‌شناس حول محور ازدواج جوانان و نقش والدین در این زمینه است.

از دواج نسل‌های امروز و دیروز چه تفاوت شاخص و اصلی با هم دارند؟

دختر یکی از دوستان بنده به واسطه معرف، خواستگاری را داشت. این خواستگار به رغم همه شرایط توسط دختر خانم رد می‌شد، تنها به این دلیل که واسطه معرف این شخص بوده است و دختر خانم به این موضوع نقد داشت. در واقع ساختارهای انتسابی و همسرگزینی در ازدواج نقش و رنگ خود را از دست داده است. نسل جدید در ازدواج به سمت متغیرهای انتسابی نمی‌رود، بلکه به سمت متغیر اکتسابی می‌رود. در گذشته بیش از ۸۰ درصد متغیر انتسابی در ازدواج وجود داشت که نقش عمده آن با واسطه و معرف بود، در حالی که امروزه متغیر انتسابی خاصیت خود را از دست داده و جای خود را به متغیر اکتسابی داده است.

نقش و شکل حمایتی خانواده‌ها در ازدواج جوانان چگونه باید باشد؟

اگر حمایت‌ها را به دو صورت مادی و معنوی تعریف کنیم، در گذشته‌های دور حمایت مادی چندان از فرزندان برای ازدواج نداشتیم، چرا که ما برای شکل گیری ازدواج با چهار بلوغ اقتصادی، عاطفی، اجتماعی و جنسی مواجه بودیم. در گذشته‌های دور با توجه به اینکه افراد از سنین نوجوانی وارد بازار کار می‌شدند، بعد به یک بلوغ اقتصادی می‌رسیدند، این بلوغ اقتصادی منجر به عدم وابستگی اقتصادی به ساختار خانواده می‌شد. در واقع نوعی استقلال اقتصادی به فرد اعطا می‌شد، اما از آنجا که به لحاظ معنوی ساختار جامعه، حاکمیت جمع بر فرد بوده است، باعث می‌شود به لحاظ معنوی و رفتاری حمایت‌های اجتماعی و عاطفی قوی از جانب خانواده بگیرد؛ یعنی گپ‌ها و نشست‌های خانوادگی بسیار گسترده‌ای داشتیم که باعث می‌شد فرد احساس خلأ نکند و بتواند زندگی اجتماعی خود را به خوبی ادامه دهد. همچنین با توجه به پایین بودن سنن از دواج فاصله فرد با نظام خویشاوندی

اگر حمایت‌ها را به دو صورت مادی و معنوی تعریف کنیم، در گذشته‌های دور حمایت مادی چندان از فرزندان برای ازدواج نداشتیم، اما به لحاظ معنوی و رفتاری حمایت‌های اجتماعی و عاطفی قوی از جانب خانواده صورت می‌گرفت، اما امروز این روال برعکس شده است

تفاوت داشت. امروز در ساختار خانواده شاهد این هستیم که والدین به لحاظ مادی به شدت فرزندان خود را حمایت می‌کنند، چرا که بازار کار به اندازه کافی وجود ندارد. جوانان به دلیل حمایت خانواده به لحاظ اقتصادی دچار مشکل نمی‌شوند، اما می‌بینیم که در سایر حوزه‌ها از خانواده جدا می‌شوند. از آنجا که بعد خانواده در جامعه کاهش پیدا کرده و به یک یا دو فرزند اکتفا می‌کنند، حمایت مادی و حق انتخاب بیشتر شده، ولی متأسفانه حمایت معنوی و عاطفی کمتر دیده شده است.

شیوه برخورد خانواده‌ها برای همسر گزینی جوانان امروزی چگونه باید باشد تا به انتخاب صحیح منجر شود؟

واژه صحیح، دارای بار ارزشی است و باید پرسید صحیح از نظر چه کسی؟ در واقع تعریف صحیح از نظر والدین یا فرزندان متفاوت است. شاید انتخاب والدین ناصحیح و انتخاب جوان صحیح باشد یا بر عکس. البته با اتفاقاتی که در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها رخ داده والدین نیز ناگزیر از آن تأثیر پذیرفته‌اند. اگر



عوامل آسیب‌زا در تربیت جنسی فرزندان احساس ناامنی خود را به کودک انتقال ندهید

ملیحه قاسمی

آموزش مستقیم تربیت جنسی نه تنها هیچ کمکی به کودک نمی‌کند، بلکه برای وی حس ناامنی ایجاد خواهد کرد. توانمندی‌هایی که بدون آموزش مستقیم و در بستر زندگی در اختیار کودکان می‌گذاریم، به طور مؤثرتری باعث ایجاد سیستم دفاع از خود در کودک می‌شود. در این زمینه توجه والدین را به چند نکته جلب می‌کنیم.

۱- ترس‌ها و نگرانی‌های والدین

ذهنیت بسیاری از والدین مبتنی بر شکل‌گیری جامعه‌ای ناسالم بوده و معتقدند همه چیز متفاوت از قبل است. نگاهی که والدین می‌شود و در مقابل عاملی برای خلل در تربیت کودکان نیز خواهد شد، اما خلاف تصور رایج، جامعه ما نسبت به سایر جوامع بسیار امن تر است.

به طور مثال، در دهه ۶۰ روزانه به صورت ثابت قبل از برنامه کودک به مدت دو ساعت تصاویر گمشدگان مربوط به یکی دو روز اخیر نشان داده می‌شد، در حالی که امروزه این حجم از گمشدن را نداریم که اگر این چنین بود، در شبکه‌های اجتماعی به صورت انفجاری در مورد آن صحبت می‌شد.

در واقع برخلاف تصور رایج، نه تنها کاهش در زمینه امنیت نداشتیم، بلکه امنیت بیشتر هم شده است، اما مسئله این است که احساس امنیت کاهش پیدا کرده است. والدین به خاطر اتفاقاتی رخ داده در فضای مجازی اخبار در فضای مجازی احساس امنیت کمتری می‌کنند، با پایین آمدن احساس امنیت، ایجاد خلل در تربیت کودک کلیدی می‌شود و والدین دست به آموزش‌های غیر ضروری می‌زنند که باعث افزایش کنجکاوی کودکان می‌شود.

نباید از نظر دور داشت کودکانی دارای والدین با ترس‌های افراطی در مهندهای کودک مشخص هستند. این والدین برای کودکان خود کتاب یا موضوع تربیت جنسی خوانده‌اند یا نیمه‌شن نشان آنها داده‌اند و در واقع چنین رفتاری به معنی آزار با تده ماه‌های جنسی است؛ برای مثال نتیجه چنین رفتارهایی باعث خواهد شد تا این کودک زمان عبور از کنار سایر کودکان رفتارهای غیرمتعارف از خود نشان دهد.

رفتارهای غیرمتعارف به مرور برای کودک تبدیل به نوعی بازی می‌شود، چرا که مادر شرایط را در خانه پیچیده کرده و به کودک بارها تذکر داده است تا اگر کسی به شلوارت دست زد، جیب بزن یا فرار کن و کودک نیز برای سرگرمی یا از سر کنجکاوی همین کار را با کودکان هم‌سن خود انجام می‌دهد.

اکثر والدینی که در این رابطه به مشکل برخورد کرده‌اند، ترس‌های بسیار عجیبی نسبت به تربیت جنسی داشته‌اند و در این زمینه به خصوص مادرها فعال‌تر از حد معمول عمل کرده‌اند. به این ترتیب همین مادران باعث می‌شوند تا دقیقاً اتفاقی که از آن می‌ترسند برای کودکشان رخ دهد.

نباید از نظر دور داشت توانمندی‌هایی که بدون آموزش مستقیم و در بستر زندگی در اختیار کودکان می‌گذاریم، باعث ایجاد سیستم دفاع از خود می‌شود. در نتیجه آموزش و مراقبت والدین منافاتی با این موضوعات ندارد و والدین باید بدانند، نگاه ناامنی نسبت به جامعه را نباید به کودک منتقل کنند.

۲- اضطراب‌های کودکان

اضطراب منشأ و ریشه همه بیماری‌های روانی است. ممکن است کودکی به عنوان مکانیسم آرامش، اضطراب خود را به صورت لمس کردن نشان دهد، اما باید بدانید که برای کودکان زیر هفت سال این کار یک عمل جنسی نیست، در حالی که صرفاً یک مکانیسم آرامش بخش برای کاهش اضطراب است. اختلافات پدر و مادر، شرایط نامناسب روحی مادر، سرزنش زیاد والدین، جدایی از مادر و همچنین وسواس والدین تأثیر مستقیمی در افزایش اضطراب کودکان دارد.

۳- حساسیت نشان دادن

حساسیت بیش از حد مادر برای کودکان مشکلاتی ایجاد می‌کند. مادری که کودک را دائماً در بازی‌هایش منع می‌کند یا سعی در کنترل فضا دارد یا فضای کاملاً ایزوله شده‌ای را فراهم می‌کند، مسئله را بحرانی می‌کند؛ برای مثال کودک که پنج ساله پسر در حال بازی با کودک دختر است و مادر حساس می‌گوید: «دخترها با دخترها، پسرها با پسرها»، این واکنش‌های نادرست باعث ایجاد حساسیت در کودکان می‌شود.

بهتر است والدین بدانند به صورت طبیعی کودکان بین سال‌های سه تا پنج سالگی، ممکن است بدن خود را لمس کنند. اگر این کار به صورت مکرر تکرار نشود و والدین حساسیت نشان ندهند خود به خود رفع می‌شود. علت چنین رفتاری می‌تواند بر خاسته از تمیز نبودن لباس زیر کودک، هیجان یا اضطراب باشد. اگر این کار توسط کودک مکرر صورت گیرد (هر روز ۲۰ دقیقه) والدین باید ریشه‌یابی کنند، در غیر این صورت با تکنیک‌های ساده می‌توان کودک را به انجام کارهای دیگری هدایت کرد.

۴- آسیب آموزش مستقیم

آموزش مستقیم در تربیت جنسی نه تنها هیچ کمکی به کودک نمی‌کند، بلکه برای او حس ناامنی ایجاد خواهد کرد. والدین باید کودک را از طریق آگاهی دادن و رفتار بدون کلام تربیت کنند. براساس تجارب عملی، کودکان آموزش دیده در زمان خطر امکان مواجهه مناسب نداشته و نمی‌توانند مانع آسیب دیدن خود شوند. بسیاری از کتاب‌های کودک و انیمیشن‌های مراقبت از بدن فقط و فقط درگیری بیشتر ذهنی برای کودکان ایجاد و آنها را ناامن تر می‌کند، چرا که کودکان برای فهم یا تشخیص مواجهه با افرادی که قصد آسیب جنسی دارند، ضعیف هستند. والدین باید بدانند در هفت سال اول مراقبت کامل از کودکان وظیفه آنهاست و اگر با افراط در آموزش‌های غیر ضروری می‌خواهید این وظیفه را از خود سلب و به عهده کودکان بگذارید، در حال آسیب‌زدن به آنها هستید.

* کارشناس ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و مدرس دوره‌های فرزندپروری

مادری که کودک را دائماً در بازی‌هایش منع می‌کند یا سعی در کنترل فضا دارد یا فضای کاملاً ایزوله شده‌ای را فراهم می‌کند، مسئله را بحرانی می‌کند؛ برای مثال کودک پنج ساله پسر در حال بازی با کودک دختر است و مادر حساس می‌گوید: «دخترها با دخترها، پسرها با پسرها»، این واکنش‌های نادرست باعث ایجاد حساسیت در کودکان می‌شود